

چهارشنبه 2 فروردین 1396 - 23 جمادی الثاني 1438 - 22 مارس 2017

تظاهرات مردمی علیه حکومت جمهوری رضاخانی در تهران (1303 ش)...



تظاهرات مردمی علیه حکومت جمهوری رضاخانی در تهران (1303 ش)

رضاخان پس از به دست گرفتن قدرت، درصدد برآمد تا خود، پادشاهی پهلوی را تأسیس نماید. از این رو در ابتدا شعار جمهوری خواهی سر داد تا مقدمه‌ری برای انتقال از قاجار به پهلوی باشد. با اعلام این خبر، عده زیادی از مردم و روحانیون در میدان بهارستان، روبروی مجلس شورای ملی اجتماع نموده و علیه جمهوری و رضاخان شعار می‌دادند. در نتیجه بین مردم و نظامیان زد و خورد شدیدی روی داد که به کشته و زخمی شدن تعدادی از مردم منجر شد. این واقعه، رئیس مجلس را به واکنش سریعی وا داشت و دستور داد تا مجلس، تکلیف سردار سپه را معین کند. این عکس‌العمل تند، رضاخان را به ترس و عذرخواهی افکند و سرانجام با اوج‌گیری تظاهرات مردمی در شهرهای مختلف علیه جمهوری ساختگی رضاخانی، سردار سپه انصراف خود را از جمهوریت اعلام نمود. **تهاجم مزدوران رژیم سفاک پهلوی به مدرسه فیضیه در قم (1342 ش)**

عصر روز دوم فروردین 1342 ش برابر با 25 شوال 1382 ق و مصادف با شهادت امام صادق (ع) بود. به همین مناسبت از طرف آیت‌الله گلپایگانی، مجلس سوگواری در مدرسه فیضیه قم برپا گردید. پس از شروع مراسم، ناگهان افرادی که خود را به شکل دهقانان و مردم عادی درآورده بودند، مجلس را به هم زدند. با واکنش مردم و طلاب نسبت به این موضوع، نیروهای پلیس وارد عمل شده و به ضرب و جرح مردم و طلبه‌ها پرداختند. در این واقعه، مزدوران پهلوی، تعدادی از طلبه‌ها را از طبقه دوم و پشت بام فیضیه به حیاط پرت کردند. عده زیادی کشته و زخمی شدند. این تهاجم وحشیانه، باعث خشم شدید امام، موضع‌گیری‌های رژیم و انزجار مردم از نظام طاغوتی گردید. همزمان با هجوم مأموران رژیم شاه به فیضیه، درگیری‌های مشابهی در مشهد و تبریز روی داد و علاوه بر ضرب و جرح مردم، تعدادی نیز دستگیر شدند.

تصرف سرزمین جامائیکا توسط استعمار اسپانیا (1509 م)

جزیره جامائیکا که در دریای کارائیب و در جنوب کوبا در امریکای مرکزی واقع شده است، در سال 1494 م در جریان دومین سفر اکتشافی کریستف کلمب کشف شد و 15 سال بعد در 22 مارس 1509 م به خاطر اهمیت استراتژیک و بازرگانی آن در دریای کارائیب مورد توجه اسپانیا قرار گرفت و توسط نیروهای این کشور اشغال شد. چندین سال بعد، جامائیکا به تصرف انگلستان درآمد و تا قرن هجدهم نیز تحت سلطه کامل انگلیس باقی ماند. در این مدت گروه‌های بی‌شماری از کارگران سیاه‌پوست، در مزارع نیشکر به کار گرفته شدند و اکثر بومیان جزیره از موطن خود، رانده شدند. در قرن نوزدهم، جامائیکا مانند بسیاری دیگر از کشورهای تحت سلطه استعمار، با نهضت‌های رهایی‌بخش و جنبش‌های استقلال‌طلب مواجه گردید. دگرگونی اوضاع بین‌المللی در نیمه دوم قرن بیستم به استقلال جامائیکا در ششم اوت 1962 انجامید. با این حال این کشور همچنان عضوی از جامعه مشترک المنافع است که حکومت آن، فرمانداری کل و تحت ریاست تشریفاتی پادشاه انگلستان می‌باشد. (رک: 6 اوت) **درگذشت "یوهان ولفگانگ گوته" شاعر شهیر آلمانی (1832 م)**

یوهان ولفگانگ فون گوته ادیب نام‌آورد آلمانی، در 28 اوت 1749 م در شهر فرانکفورت آلمان به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات ابتدایی، به فراگیری حقوق و پزشکی پرداخت و از آن پس به ادبیات و فلسفه روی آورد. گوته علاوه بر آن، زبان‌های لاتین، انگلیسی و فرانسوی را نیز آموخت. آثار اولیه گوته، در دورانی از ادبیات آلمان آغاز شد که آن را دوره توفان و فشار می‌گویند و پیش درآمد جنبش رمانیتک و داستان‌سرایی بود که در قرن نوزدهم، سراسر اروپا را در بر گرفت. گوته با الهام از تفکر اصالت احساس، به سرودن شعر و غزل همت گماشت و در این راه، گوی سبقت را از همگان ربود. هم‌چنین گوته با مطالعه دیوان حافظ، شیفته لسان الغیب شیراز شد و تصمیم گرفت مضامینی را که از ادبیات مشرق زمین مورد توجهش قرار گرفته در قالب اشعاری به زبان آلمانی بریزد. وی در ملحقات این اثر که به دیوان شرقی معروف است، به ستایش قرآن و پیامبر عالی‌قدر اسلام (ص) پرداخته و می‌گوید: "قرآن را باید قانون خدایی دانست و نباید آن را مانند کتاب‌هایی تصور کرد که برای تدریس یا تفریح هم‌نوعان می‌نویسند. امعان‌نظر در قرآن، ما را مجذوب می‌کند و به شگفت می‌آورد و سرانجام به تعظیم و احترام وادار می‌نماید" از دیدگاه گوته "سبک قرآن برطبق موضوع و هدفش دارای روشی جدی توأم با بزرگ منشی و تهدید کننده و حقیقتاً با احترام همراه است". وی تصریح می‌نماید: "هرگاه معنای اسلام تسلیم شدن به اراده خداوند جهان می‌باشد، پس ما همگی در اسلام زندگی می‌کنیم و مسلمان می‌میریم". ولفگانگ گوته یکی از با استعدادترین و در عین حال یکی از ناآرام‌ترین عشتاق عصر خود بود. سراسر زندگی‌اش سرشار از شور و نشاط و التهاب تازه و کارهای نو و جستجو بود، گوته هم عاصی بود هم محافظه کار، هم مسیحی بود، هم بی‌دین، هم مرید شیطان بود هم تابع پاکان. عمرش را وقف نقاشی انسان و طبیعت کرد و به کلمات بی‌جان، حیات بخشید.

گفته مقالاتي در گياه‌شناسي و فيزيولوژي نوشت و يك نظريه تازه علمي را در باب رنگ‌ها تکميل کرد. او هم‌چنين فلسفه خويش را بر مبناي سرگذشت واقعي انسان، پايه‌گذاري نمود. گفته بزرگ‌ترين شخصيت ادبي قرن نوزدهم و يکي از برجسته‌ترين نوابغ تاريخ بشر محسوب مي‌شود. روح بلند پرواز، قوه تخيل بي‌نظير، قدرت بيان و قلم سحرآمیز او در مردم آلمان سخت اثر کرد و او را سرآمد شعرا و نويسندگان آن کشور نمود به طوري که او را پدر ادبيات آلمان لقب داده‌اند. مهم‌ترين اثر گفته، فاوست نام دارد که بايد گفت ثمره شصت سال کار مداوم و عميق اوست که در واقع سرگذشت خود اوست. فاوست، سرگذشت کيمياگري است که مي‌خواهد بر همه اسرار طبيعت دست يابد و راهي به جانب ماوراءالطبيعه بگشايد. گفته از نظر ادبي در آلمان داراي همان مقامي است که دانته در ايتاليا و شکسپير در انگلستان داشته‌اند و کمتر شخصيتي چون گفته در ادبيات جهان چنين نفوذي داشته‌اند. وي نمايش‌نامه‌نويس، نويسي دانشمند بود و علاوه بر آن، داستان‌ها و سفرنامه‌هايي از خود باقي گذارد که ايفي ژني، سرگذشت نامه‌ها، ورتر، سفر ايتاليا و... از آن جمله‌اند. گفته سرانجام در 22 مارس 1832م در 83 سالگي درگذشت.